

مجله اقتصادی

شماره‌های ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۴۰۱، صفحات ۲۷-۵

آسیب‌شناسی جریان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران

امیر خلیلی خواه

نایب رئیس مرکز خدمات سرمایه‌گذاری و مدیرکل امور اقتصادی و دارایی استان قزوین

Khalilikhah.a@mefa.gov.ir

سیدعلی اصغر موسوی

دکتری اقتصاد، دانشکده مدیریت، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

s.mousavi98@sndu.ac.ir

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی صرفاً یک ابزار تأمین مالی نبوده و می‌تواند بستر گسترده‌ای برای تعاملات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور باشد و شاید پیچیدگی تحلیل این ابزار اقتصادی به همین دلیل است. کشورها طی سالیان اخیر ضمن شناسایی ظرفیت‌های بالای این نوع سرمایه‌گذاری، تلاش زائدالوصفی را برای جذب آن از اطراف جهان صورت داده‌اند ولیکن پرسش اساسی آن است که آیا صرف جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش‌های اقتصادی بدون در نظر گرفتن الزامات و شرایط بهره‌مندی از آن می‌تواند منجر به رشد و توسعه اقتصادی گردد؟ در این مطالعه تلاش می‌شود ضمن بررسی انگیزه‌های سرمایه‌گذاری خارجی در بعد عرضه و تقاضا، به بررسی مزایا و معایب سرمایه‌گذاری خارجی پرداخته و بسترهای لازم برای تدوین یک راهبرد مناسب جهت حداکثر سازی استفاده از مواهب آن تشریح گردد. در ادامه با بررسی وضعیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران مبتنی بر آمار و اطلاعات منتشره از سوی سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران، به بررسی انگیزه‌های سرمایه‌گذاران خارجی برای سرمایه‌گذاری در ایران پرداخته شود. مطابق با نتایج این تحقیق، تدوین استراتژی ملی جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و همچنین توانمندسازی فناورانه و توسعه نیروی انسانی در زیربخش‌های اولویت‌دار برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند در بهبود بهره‌مندی از مزایای این نوع از سرمایه‌گذاری در ایران مفید واقع شود.

واژگان کلیدی: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، استراتژی جذب سرمایه‌گذاری خارجی، انگیزه سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی.

۱. مقدمه

سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان یکی از ابزارهای اقتصادی، بستر مناسبی برای تأمین مالی و ایجاد سرریزهای تکنولوژی، مدیریت، کارآفرینی و بسیاری دیگر از مزیت‌هایی است که می‌تواند در خلق و پاسداشت کسب و کارها تأثیرگذار باشد. از این‌رو کشورها مختلف راهبردهای مختلفی را مطابق با موقعیت‌ها و جایگاه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود را برای پذیرش این نوع از سرمایه‌گذاری اتخاذ می‌نمایند. بدون تردید سرمایه‌گذاری خارجی نیز مانند بسیاری متغیرهای اقتصادی، از دیگر موضوعات تأثیر می‌پذیرد، حال آنکه به واسطه ارتباط موضوع با وجه چهارم اقتصاد که همانا دنیای خارج است، این پیچیدگی دوچندان شده و پای متغیرهای اقتصادی کشور مبدأ نیز به میان کشیده می‌شود. مطابق با مطالعات و بررسی‌های علمی فراوان، سرمایه‌گذاری خارجی علیرغم مزیت‌های فراوان برای کشور میزبان، می‌تواند دارای وجوه منفی است. از این‌رو تلاش برای شناسایی چگونگی بهره‌مندی حداکثری از ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیازمند بررسی عوامل مؤثر بر این نوع سرمایه‌گذاری در کشور مبدأ و میزبان است. علیرغم تحقیقات بسیار گسترده در این زمینه در سطح بین‌المللی، متأسفانه پژوهش‌های کاربردی در داخل کشور با هدف چگونگی بهینه‌سازی جذب سرمایه‌گذاری خارجی با فقر بسیار زیادی مواجه است. لذا در این نوشتار بررسی می‌شود ضمن تشریح ابعاد مختلف موضوع، ویژگی‌های خاص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران با توجه به شرایط خاص داخلی و بین‌المللی آن مورد بحث و بررسی قرار گرفته و فضای روشنی را برای تحقیقات آتی در این زمینه ترسیم نماید.

انگیزه‌های سرمایه‌گذاری خارجی

مبتهی بر اصول اقتصاد کلاسیک، کارگزاران اقتصادی، فعالیت‌های اقتصادی خود را مبتنی بر منطق حداکثر کردن کارایی و سود انجام می‌دهند. سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان یک فعالیت اقتصادی از این قاعده مستثنا نبوده و مبتنی بر کسب فایده برای سرمایه‌پذیر و سرمایه‌فرست تعریف می‌شود. از این رو است که جلب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، به خودی خود، هدف نهایی نبوده؛ بلکه وسیله‌ای است برای دستیابی به سرریز فناوری و انتقال تکنولوژی، رشد تجارت در بازارهای هدف، توسعه نیروی انسانی، رقابت‌پذیری، توسعه کارآفرینی و ... است که نهایتاً می‌تواند به هدف مهم‌تر یعنی توسعه کشور بینجامد. بنابراین سیاست جلب سرمایه باید معطوف به جلب سرمایه‌هایی باشد که

مکمل راهبرد توسعه کشور باشند (قهرودی، ۱۳۹۵: ۱۷۸). از سویی دیگر سرمایه‌گذار خارجی نیز با هدف توسعه بازار و نهایتاً کسب منافع اقدام به سرمایه‌گذاری می‌نماید و در این میان توجه به انگیزه‌های سرمایه‌گذار خارجی برای سرمایه‌گذاری در کشور میزبان می‌تواند در فهم این موضوع و به تبع آن سیاست‌گذاری مطلوب برای بهره‌مندی بیشتر از مزایای سرمایه‌گذاری مناسب یاری‌رسان باشد. با هدف تشریح انگیزه‌های سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری در دیگر کشورها، تلاش می‌شود این انگیزه‌ها در دو بعد عرضه و تقاضای سرمایه‌گذاری خارجی مورد تحلیل قرار گیرد.

عرضه سرمایه‌گذاری خارجی

عرضه سرمایه‌گذاری خارجی از سوی افراد حقیقی و حقوقی کشور مبدأ سرمایه صورت می‌گیرد و سیاست‌های کشور مبدأ در این خصوص در قالب سیاست‌های جلوبرنده^۱ عمل می‌کند. این سیاست‌ها شامل مجموعه تصمیمات تشویقی و یا اقداماتی است که شرکت‌ها و اشخاص را مبتنی بر راهبردهای توسعه ملی مربوطه، تشویق به انجام سرمایه‌گذاری خارجی در کشور میزبان می‌نماید. مطابق با مبانی علمی، این انگیزه‌ها به سه دسته تقسیم می‌شود.

الف- انگیزه جستجوی منابع (کارایی)

افراد و شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی در جستجوی منابع با هدف حداکثر نمودن کارایی تولید، تلاش می‌نمایند ضمن توسعه تولید خود از طریق بهره‌مندی از منابع دیگر کشورها اقدام به سرمایه‌گذاری در خاک آن کشورها نمایند. این منابع عموماً شامل منابع طبیعی، نیروی انسانی، انرژی‌های فسیلی و ... است که به دلیل مزیت‌های مطلق و نسبی می‌تواند مطمع نظر بسیاری از شرکت‌ها خصوصاً شرکت‌های چندملیتی برای دسترسی به منابع فراوان و ارزان برای توسعه تولید باشد.

ب- جستجوی بازار

یکی دیگر از انگیزه‌های سرمایه‌گذاران خارجی بهره‌مندی از پتانسیل‌های بازار کشور میزبان برای ایجاد و یا توسعه تولید در خاک آن کشور است که طی آن سرمایه‌گذار خارجی ترجیح می‌دهد به جای واردات، تولید را در کشور میزبان صورت داده و از مزیت نزدیکی مکان تولید به بازار هدف

1. Pushing

بهره‌مند شود. بدیهی است تقویت این انگیزه در بستری رخ می‌دهد که شیب آن بر پایه سیاست‌گذاری کشور میزبان صورت گرفته و به عنوان رهاوردی برای بهره‌مندی از مزایای سرمایه‌گذاری خارجی اتخاذ گردیده باشد. در ارتباط با این موضوع، اندازه بازار محصولات یکی از عوامل بسیار پراهمیت جذب سرمایه‌گذاری خارجی است و بالا بودن اندازه بازار می‌تواند رابطه مثبتی با جذب سرمایه‌گذاری داشته باشد. گواه این مدعا سهم پایین بخش کشاورزی ایران در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و سهم غالب بخش صنعت در جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران است.

جدول ۱: مزایا و معایب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

طرف سرمایه‌گذاری	مزایا	معایب
کشور میزبان	کاهش واردات و وابستگی به دنیای خارج	پایین بودن عمق ساخت داخل
	کاهش خروج ارز	اختلال در ورود فناوری جدید تولید
	افزایش کارآفرینی و اشتغال	استفاده از یارانه‌ها و حمایت‌های دولتی
	انتقال و سرریز دانش فنی	تسلط بر بازار مصرف داخلی
	افزایش درآمد و تولید ملی	کاهش توان تولیدی رقابتی داخلی
شرکت سرمایه‌گذار	حذف یا تخفیف تعرفه	کمبود نیروی انسانی ماهر
	استفاده از معافیت و یا تخفیف مالیاتی	مشکلات ناشی از فضای کسب و کار
	بهره‌مندی از حمایت‌های میزبان و نزدیکی به بازار مصرف	وجود مخاطرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بدیهی است، بهره‌مندی کشور میزبان از سرمایه خارجی وارده، تابع شرایطی است که نیازمند سیاست‌گذاری مناسب است. بهره‌مندی از مواهب سرمایه خارجی که از این روش جذب گردیده نیازمند بررسی در قالب تئوری بازی است که طی آن در یک افق بلندمدت دخل و خرج این روش محاسبه و از این طریق تأمین لوازم یک بازی برد-برد برای سرمایه‌گذار و کشور میزبان تحلیل شود. بدیهی است در بی‌عملی کشور میزبان، عمده منافع به سبد سرمایه‌گذار واریز شده و حاصل کشور میزبان از این بازی اقتصادی به طور جدی باخت خواهد بود.

ج- تقویت صادرات از محل سرمایه‌گذاری خارجی

بستر طرح این قالب از سرمایه‌گذاری خارجی مبتنی بر نظریه علمی کیوشی کوجیما^۱ (۱۹۷۳) اقتصاددان ژاپنی است. کوجیما سرمایه‌گذاری را به عنوان ابزاری برای انتقال سرمایه، فناوری و مهارت‌های مدیریتی از کشور مبدأ به کشور میزبان مورد توجه قرار داد. بر اساس فرضیات و عقیده او دو نوع سرمایه‌گذاری خارجی وجود دارد؛

۱- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با سمت‌گیری تجاری

در صورتی که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باعث افزایش تقاضا برای واردات و افزایش عرضه صادرات شود دارای سمت‌گیری تجاری است و در صناعی حادث می‌شود که کشور میهمان مزیت نسبی به آن صنایع را ندارد که این عامل باعث تسریع تجارت بین دو کشور مبدأ و میزبان می‌شود. بنابراین این نوع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منجر به افزایش رفاه می‌گردد.

۲- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ضد سمت‌گیری تجاری

در صورتی که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باعث افزایش تقاضا برای واردات و افزایش عرضه صادرات نشود، دارای سمت‌گیری ضد تجاری است و در صناعی حادث می‌شود که کشور میهمان دارای مزیت نسبی به آن صنایع است که این عامل باعث تسریع تجارت بین دو کشور میهمان و میزبان نمی‌شود. بنابراین این نوع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منجر به کاهش رفاه می‌گردد. به نظر می‌رسد تدبیر هوشمندانه برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی ذیل سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، تلاش دارد با تقویت صادرات از محل این سرمایه‌گذاری‌ها از کاهش رفاه مصرف‌کنندگان به لحاظ تفاوت در سطح مزیت بکاهد (ذوالقدر، ۱۳۸۸).

تقاضای سرمایه‌گذاری خارجی

بسیاری از نهادهای بین‌المللی به کشورهای در حال توسعه پیشنهاد می‌دهند تا تکیه بیشتری بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان منبع تأمین مالی خارجی نمایند؛ زیرا علاوه بر انتقال سرمایه، انتقال تکنولوژی و دانش را به همراه دارد و سازمان تولید را نیز بهبود می‌بخشد (اسپاتز و نانکمپ، ۲۰۰۴)، لذا بر این اساس کشورها ضمن تقاضای سرمایه مستقیم خارجی از طریق ایجاد مشوق‌های

1 - Kojima

مختلف در قالب سیاست‌های کششی^۱، سعی در جذب این نوع از سرمایه‌ها می‌نمایند. انگیزه جذب (تقاضا) سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که از دیدگاه کشور میزبان مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد، به سه بخش تقسیم می‌شود:

۱. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جانشین واردات
۲. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مشوق صادرات
۳. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با محوریت دولت (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹ ص ۴).

اکثر مطالعات تجربی نتیجه می‌گیرند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی - فراتر از آنچه که سرمایه‌گذاری داخلی معمولاً باعث می‌شود - هم به بهره‌وری عوامل و هم به رشد درآمد در کشورهای میزبان کمک می‌کند، با این حال، ارزیابی میزان این تأثیر دشوارتر است، به ویژه به این دلیل که جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشورهای در حال توسعه اغلب با نرخ‌های رشد غیر معمول بالا ناشی از عوامل غیر مرتبط همراه است؛ و نکته اساسی اینجاست که شرایط و موقعیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور میزبان تعیین‌کننده مهمی برای میزان اثرپذیری از سرریزهای حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی است که بعضاً مورد کم‌توجهی واقع می‌شود.

۲. تاریخچه مطالعات

حیدری هراتمه (۱۴۰۰) با عنوان عوامل نهادی مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و معاهدات سرمایه‌گذاری دو جانبه به بررسی اثر زبان مشترک، ظرفیت بازار و بُعد فاصله متغیرهای جمعیتی و همسایگی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پرداخته است. نتایج تحقیق نشان داد که معاهدات سرمایه‌گذاری، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارد. عواملی همچون زبان مشترک، ظرفیت بازار و بُعد فاصله نیز، تأثیر معنی‌داری دارند؛ اما متغیرهای جمعیت و همسایگی به غیر از جفت کشورهای در حال توسعه، عامل مؤثری برای جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیستند.

1 - pulling

فاضلیان و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان شناسایی و رتبه‌بندی موانع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران- کاربرد روش دلفی فازی- تلاش نموده است تا موانع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را شناسایی و رتبه‌بندی نماید. نتایج نشان می‌دهد که عدم همسویی منافع سرمایه‌گذاران خارجی و منافع مقامات دولتی و دست‌اندرکاران مرتبط با موضوع سرمایه‌گذاری خارجی در داخل کشور، وجود عدم اطمینان در فضای سرمایه‌گذاری، بالا بودن هزینه‌های مبادله و نبود وحدت نظر و هماهنگی بین مسئولین در تعیین اولویت‌های جامعه از مهم‌ترین موانع سرمایه‌گذاری خارجی در کشور هستند.

الیاسی (۱۳۹۹) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد به بررسی اثر تحریم‌ها بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران پرداخته است. نتایج نشان داد که تحریم‌ها تأثیر منفی و معناداری بر کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران داشته است. همچنین درجه باز بودن اقتصاد، نرخ بازگشت سرمایه، رشد اقتصادی و سرمایه‌انسانی تأثیر مثبت و معنادار و نقدینگی و فساد و ریسک سیاسی و نرخ ارز تأثیر منفی و معناداری داشتند. ضمن آنکه هزینه مخارج تحقیق و توسعه با وجود اثر مثبت با عدم معناداری مواجه شد.

اللهیاری و همکاران (۱۳۹۹)، در مطالعه خود به بررسی موانع ساختاری در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، از روش خودهمبستگی با وقفه‌های توزیعی در دوره زمانی ۱۳۳۸-۱۳۹۶ پرداختند. در این راستا، آن‌ها با استفاده از روش تحلیل مؤلفه‌های اساسی مؤلفه‌هایی چون کیفیت نهادی و حکمرانی خوب، توسعه اقتصادی و سرمایه‌انسانی، دستمزد، آزادسازی اقتصادی، درجه باز بودن اقتصاد، نرخ ارز و نرخ بهره را مطالعه نموده‌اند. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که از بین متغیرهای اقتصادی، نرخ ارز و نرخ بهره جهانی مهم‌ترین و البته بیشترین تأثیر را در جذب سرمایه برای ایران به همراه داشته است.

صارمی (۱۳۹۹) در گزارش الزامات جذب بهینه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران با بهره‌گیری از تجربه کشورهای موفق، برای یافتن شرایط و الزامات جذب بهینه سرمایه‌گذاری خارجی اقدام نموده است. تطبیق رهنمودهای حاصل شده از تحقیق با وضعیت ایران از طریق بررسی آمارهای موجود، مرور مطالعات پیشین و نظرسنجی از خبرگان نشان می‌دهد، شرایط بهره‌برداری کافی و حداکثری از میزان اندک جذب جریان ورودی سرمایه خارجی در جهت توسعه اقتصادی

کشور وجود ندارد. اگرچه محیط نامناسب کسب و کار و تحریم‌های بین‌المللی از اقبال سرمایه‌گذار خارجی به ورود و سرمایه‌گذاری در کشور به شدت کاسته است، اما زمینه استفاده مناسب از همان میزان اندک سرمایه خارجی ورودی نیز فراهم نشده است. از مهم‌ترین دلایل این مشکل می‌توان به برداشت و درک نادرست مدیران و سیاست‌گذاران کشور از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نبود ظرفیت‌های جذب و انتقال صحیح و کامل فناوری از این طریق اشاره کرد. نگاه صرفاً تأمین مالی به سرمایه‌گذاری خارجی و غفلت از مهم‌ترین کارکرد آن یعنی انتقال فناوری، درک نادرست از انگیزه‌های سرمایه‌گذار خارجی و لزوم سودآوری سرمایه‌گذاری خارجیان در کشور میزبان، عدم توجه به تعارض منافع سرمایه‌گذار خارجی با منافع کشور میزبان، تصور خودکار بودن انتقال مدیریت و فناوری در جریان سرمایه‌گذاری خارجی، عدم ارزیابی صحیح هزینه انتقال اطلاعات در قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی؛ از جمله مصادیق برداشت نادرست از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران است

توکار^۱ (۲۰۱۸) در مقاله "عوامل تعیین‌کننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی" به بررسی اثر عوامل اقتصادی، زیرساخت، عوامل نهادی و سیاسی، ریسک، عوامل انسانی، عوامل حقوقی و قانونی، عوامل محیطی، مسائل کارآفرینی، عوامل فرهنگی و فرافرهنگی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پرداخته است. مطابق با نتایج این پژوهش، ضمن بررسی اثر هر یک از این مؤلفه‌ها بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی، ترکیب مناسب از سیاست‌ها برای جذب بهینه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پیشنهاد گردیده است

هاودی^۲، ویجویو^۳ و کایونو^۴ (۲۰۲۰) در تحلیل مؤثرترین عوامل برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ثبات سیاسی، نرخ دستمزد، هزینه تولید، ارتباطات آسان، نرخ ارز، سیاست کشور میزبان در مورد سرمایه‌گذاری خارجی را مورد بررسی قرار داده است. مطابق با نتایج این پژوهش ثبات سیاسی، نرخ دستمزد کمتر، هزینه تولید کمتر، ارتباطات آسان، نرخ ارز متناسب، سیاست

1 - Tocar

2 - Haudi

3 - Wijoyo

4 - Cahyono

کشور میزبان در مورد سرمایه‌گذاری خارجی و غیره از عوامل مؤثر در جذب سرمایه‌گذار خارجی هستند.

سولمون^۱، امین الاسلام^۲ و باکار^۳ (۲۰۱۵) به مطالعه موردی جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور مالزی در ارتباط با توسعه بازارهای مالی و اندازه بازار پرداخته‌اند. نتایج از رابطه مثبت توسعه بازارهای مالی و اندازه بازار بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور مالزی حکایت دارد.

نقش تنظیم‌گری دولت میزبان در جذب سرمایه خارجی

یکی از ارکان بازار در نظام‌های اقتصادی که برنامه‌ریزی آن توسط حاکمیت انجام می‌شود، بخش تنظیم‌گری دولتی است که هم بر عرضه و هم بر تقاضای بازار اثرگذار است. ایجاد سازوکارهای مختلف برای تسهیل، تشویق و یا حتی تعلیق یک فعالیت از وظایف حکمرانی است که سایه آن بر دو طرف بازار سنگینی می‌کند. نوع رویکرد دولت در مواجهه با مسائل اقتصادی اهمیت بسیار دارد. از این‌رو توجه به سرمایه‌گذاری خارجی علیرغم مزایای آن به عنوان موتور محرکه تولید و ورود فناوری‌ها، محمل اقدامات متفاوتی از سوی دولت‌ها است که نیازمند تحلیل و تأمل جدی است. در وهله اول، نوع نگاه به سرمایه‌گذاری خارجی از منظر مردم و حاکمان مسئله‌ای حائز اهمیت است که می‌تواند از ریشه‌های تاریخی و فرهنگی همکاری‌های اقتصادی و حتی سیاسی و فرهنگی کشور با طرف‌های خارجی تأثیرپذیرد و از سوی دیگر، توجه به انگیزه‌های مختلف عرضه و تقاضای سرمایه‌گذاری خارجی که پیش‌تر به آن‌ها پرداختیم، دولت‌ها را مصمم به تنظیم قوانین و اجرای برنامه برای صدور یا جذب سرمایه می‌نماید.

1 - Solomon
2 - Aminulislam
3 - Bakar



شکل ۱: تصویر شماتیک اعمال نیروی کششی و جلوبرنده از سوی کشور مبدأ و میزبان در موضوع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

مأخذ: یافته‌های پژوهش

در یک بیان عمومی می‌توان این گونه گفت که؛ سیاست‌های دولت‌ها در مقام کشور مبدأ سرمایه‌گذاری خارجی، تلاش در جهت ترغیب سرمایه‌گذار به خروج سرمایه است که با توجه انگیزه‌های این بخش از سرمایه‌گذاری منطبق بر ادبیات علمی، می‌تواند بستر مناسبی برای بلوغ شرکت‌ها و تولیدات و توسعه بازار آن‌ها باشد. در مقابل سیاست دولت میزبان، کوشش برای ایجاد و تقویت انگیزه‌های لازم در راستای جذب سرمایه‌گذاری خارجی است که نهایتاً این دو سیاست می‌تواند به عنوان مکمل، جریان سرمایه‌گذاری خارجی را شکل دهد.

استراتژی‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی

ریچارد روملت^۱، در کتاب خود با عنوان “استراتژی خوب، استراتژی بد”^۲ به ارائه دیدگاهی جامع و کاربردی در مورد ماهیت و چیستی استراتژی می‌پردازد. او معتقد است که استراتژی صرفاً یک برنامه یا هدف بلندپروازانه نیست، بلکه مجموعه‌ای از انتخاب‌های منسجم و مرتبط است که یک سازمان برای دستیابی به اهداف بلندمدت خود انجام می‌دهد. بر همین مبنا در این بررسی، تمرکز استراتژی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، جذب سرمایه‌گذاری ملی و بین‌المللی در اقتصاد محلی است. ترسیم راهبرد برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در عین رعایت مبانی و اصول اولیه، تأکید بر ثبات، کیفیت بخشی به نیروی کار، تقویت زنجیره‌های ارزش و تمرکز بر ابداعات و نوآوری و جذب فناوری‌های جدید است. این راهبرد می‌تواند مبتنی بر الگوهای توسعه کشور میزبان و همچنین ظرفیت‌های موجود کشور طراحی گردیده و به کار گرفته شود. از طرفی راهبرد جذب

1 - Richard Rumelt

2 - Good Strategy/Bad Strategy

سرمایه‌گذاری می‌بایست طوری طراحی شود که خلأ نیازهای اقتصاد داخل در همه ابعاد مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی را پوشش دهد و از طرفی کاملاً واقع‌بینانه و مبتنی بر ظرفیت‌های موجود ترسیم گردد.

اهداف استراتژی جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

الف- فراخوان همکاری بین بخشی برای کمک به افزایش سرمایه‌گذاری داخلی و بین‌المللی تقسیم کار یکی اصول فعالیت اقتصادی است که از دوران گذشته مورد توجه مدیران اقتصادی بوده است. بدیهی است در یک نگاه سیستمی، هر عمل اقتصادی می‌بایست با هماهنگی اجزای سیستم اقتصادی صورت پذیرد و فعالیت‌های جزیره‌ای نتیجه جز ناهماهنگی و عدم نیل به اهداف سازمان را به دنبال نخواهد داشت. لذا فرایند جذب سرمایه‌گذاری خارجی بسان سایر فرایندهای اقتصادی، نیازمند تعامل قواست، چه بسا با توجه به پیچیدگی فرایند و حساسیت اجزای آن، می‌بایست این هماهنگی در سطح گسترده‌تری مورد تأکید قرار گیرد. این هماهنگی هم در سیاست‌های جلب و جذب سرمایه خارجی و هم بهره‌مندی از مواهب سرمایه‌گذاری از قبیل سرریزهای ناشی از آن مورد توجه است. یکی از مهم‌ترین اجزای این هماهنگی فهم درست و هماهنگ از سرمایه‌گذاری خارجی و کارکردهای آن است. متأسفانه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه فهم درستی از سرمایه‌گذاری خارجی وجود نداشته و عمده مدیران اقتصادی و مردم نگاه افراطی و یا تفریطی به موضوع دارند و این مسئله موجب گردیده بهره‌مندی کاملی از سرمایه‌گذاری خارجی در اقتصاد کشورها حاصل نشود.

ب- استفاده از نقاط قوت کلیدی برای به حداکثر رساندن مزیت‌های رقابتی و باز کردن فرصت‌های رشد و رفع موانع

توجه داشته باشیم که حصول منافع سرمایه‌گذاری خارجی در خلأ شکل نمی‌گیرد و تابع منافع است که می‌تواند در حال و آینده شامل حال سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر گردد و در عین حال از شرایط کشورهای مبدأ و میزبان و برخی ویژگی‌های سرمایه‌گذاری شامل؛ نوع، میزان، بخش و زیربخش سرمایه‌گذاری و ... تأثیر می‌پذیرد. لذا حداکثر سازی منافع سرمایه‌گذاران به طوری که تأمین‌کننده منافع کشور میزبان نیز باشد می‌تواند زمینه مناسبی برای تعاملات سرمایه‌گذاری خارجی باشد. این مهم از آن رو اهمیت دارد که بعضاً کشورها بدون توجه به فرصت‌های موجود و افق پیش رو اقدام به جذب سرمایه‌گذاری خارجی نموده و در عین حالی که نمی‌توانند به طور جدی از منافع

آن برخوردار شوند، به دلیل عدم توجه به قواعد بازی، دچار برخی آسیب‌ها از محل ورود سرمایه خارجی می‌شوند.

ج- جلب توجه سرمایه‌گذار با ایجاد یک ارزش پیشنهادی مؤثر و منحصر به فرد.

استفاده از مشوق‌های کلی و غیر ملموس نمی‌تواند انگیزه مناسبی برای سرمایه‌گذار خارجی باشد. چه اینکه فاصله روانی میان مبدأ و میزبان شامل فاصله فرهنگ، زبان و ... کشورها زمینه مهمی برای همکاری است، لذا تقویت مشوق‌های مناسب از طریق ایجاد یک ارزش خاص می‌تواند بسیار مؤثر واقع شود. توجه داشته باشیم که در یک سیستم اقتصادی، برآیند منافع و هزینه‌ها در جریان یک فعالیت اقتصادی می‌بایست مثبت باشد و استقرار یک سیستم مناسب ارزیابی برای این منظور ضرورت دارد (استراتژی جذب سرمایه‌گذاری، تیم توسعه اقتصادی همیلتون-آنتاریو آمریکا، ۲۰۲۲).

نقاط قوت برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی

بدیهی است جذب سرمایه خارجی تابعی از شرایط کشور میزبان است. این شرایط به صورت مستقیم می‌تواند، میزان، نوع، بخش اقتصادی میزبان را مورد اصابت قرار دهد و به طور طبیعی هر چقدر نهادهای اقتصادی کشور میزبان به لحاظ سطح توسعه بالغ شده باشند، استعداد جذب سطح باکیفیت‌تری از سرمایه خارجی را خواهند داشت. از این رو وجود زنجیره تأمین مناسب برای تأمین نیازمندی‌های تولیدات حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی در عین رونق تولیدات حاصله، می‌تواند موجب رشد تولیدات داخلی کشور میزبان شود. نبود زنجیره تأمین در کشورهای توسعه‌نیافته، مانع ورود فناوری‌های جدید و انتقال تجربیات از طریق سرمایه‌گذاری خارجی به این کشورها می‌شود. از دیگر ابتکارات کشور میزبان برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌توان به زنجیره تأمین، ابداعات، تحقیق و توسعه، موقعیت راهبردی، نیروی کار باکیفیت، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، سطح زندگی باکیفیت اشاره نمود.

فناوری

اصلی‌ترین کانال تأثیرگذاری سرمایه‌گذاری خارجی بر رشد اقتصادی است. ایجاد نظام ابداعات و تحقیق و توسعه، زمینه لازم را برای جذب و بهره‌مندی از فناوری حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی فراهم می‌کند. به نظر می‌رسد اگر شکاف تکنولوژی میان شرکت خارجی و شرکت‌های داخلی

خیلی بزرگ باشد، تکنولوژی مورد استفاده شرکت خارجی عملاً استفاده چندانی برای شرکت‌های داخلی، که عملیات خود را به شیوه کاملاً متفاوتی انجام می‌دهند، نخواهد داشت. استفاده از ظرفیت‌های راهبردی کشور میزبان و نیروی کار باکیفیت، می‌تواند زمینه لازم را برای تعریف فرصت‌های مناسب سرمایه‌گذاری خارجی فراهم نماید تا امکان جذب سرمایه خارجی باکیفیت به صورت هدفمند فراهم گردد (برانسستر، ۲۰۰۴).

نیروی کار

مجموعه‌ای از کارگران ماهر و افراد با مهارت‌های بالا را به سرمایه‌گذاران معرفی می‌کند که می‌توانند به نوآوری و پذیرش فناوری کمک کنند. دستیابی به حداقل سطح معینی از پیشرفت تحصیلی به عنوان توانایی یک کشور برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و به حداکثر رساندن سرریز سرمایه انسانی از حضور شرکت‌های خارجی بسیار مهم است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی قیمت کالاهای سرمایه‌ای را افزایش می‌دهد و این افزایش با فرض معین بودن نیروی کار باعث بالا رفتن قیمت سرمایه نسبت به کار می‌شود و در نتیجه به جانشینی کار برای سرمایه منجر می‌شود. این اثر همچنین تولید نهایی سرمایه را افزایش می‌دهد چون عامل کار بیشتری در تولید دخالت دارد (سیدنورانی، محمدپور، ۱۳۹۵: ۱۳۴). اثرات مفید آموزش ارائه شده توسط سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند مکمل افزایش عمومی در سطح مهارت باشد، اما جایگزین آن نمی‌شود. با این حال، حضور شرکت‌های چندملیتی ممکن است اثر نمایشی مفیدی را ارائه دهد، زیرا تقاضا برای نیروی کار ماهر توسط این شرکت‌ها به مقامات کشور میزبان نشان می‌دهد که چه مهارت‌هایی مورد تقاضا هستند. سطوح سرمایه انسانی و سرریزها ارتباط تنگاتنگی با انتقال فناوری دارند. به‌ویژه، بخش‌های از نظر فناوری پیشرفته و کشورهای میزبان احتمال بیشتری دارد که شاهد سرریز سرمایه‌های انسانی باشند و برعکس، اقتصادهایی با مؤلفه سرمایه انسانی بالا راحت‌تر به سرریزهای فناوری کمک می‌کنند. مفهوم این امر این است که تلاش‌ها برای بهره‌برداری از مزایای فناوری و سرریز سرمایه‌های انسانی می‌تواند زمانی اثربخش باشد که سیاست‌های بهبود فناوری و آموزشی به طور مشترک انجام شوند.

وجود دارایی‌های زیرساختی کلیدی، زنجیره تأمین محلی قوی، زیست‌بوم نوآوری، ابتکارات استانی و شرکت‌های توسعه‌گر سرمایه‌گذاری خارجی از دیگر موضوعات مهم برای جذب بهینه و

بهره‌مندی حداکثری کشور از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور میزبان است که می‌بایست مورد توجه جدی قرار گیرد.

وضعیت جذب سرمایه خارجی در ایران

در برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران جهت محقق شدن رشد اقتصادی ۸ درصدی، جذب ۱۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هدف‌گذاری گردیده (قانون برنامه ششم توسعه، ماده ۴) ولیکن طبق گزارش آنکتاب ۱ سهم ایران از جذب سرمایه خارجی ورودی در سال ۲۰۲۰، تنها حدود ۰/۳ درصد جریان ورودی سرمایه خارجی جهان و بیشترین میزان جذب سرمایه خارجی ایران حدود ۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ بوده است که شامل سرمایه مصوب طرح‌های سرمایه‌گذاری خارجی است که صرفاً کلیت آن به تصویب هیئت سرمایه‌گذاری خارجی کشور رسیده و در برخی موارد هیچ و یا سهم بسیار کمی از آن سرمایه وارد کشور شده است. این در حالی است که اقتصاد ایران طی سالیان اخیر حدود ۰/۷ درصد از اقتصاد جهانی (تولید ناخالص داخلی در جهان) سهم دارد (آنکتاب، ۲۰۲۱).

جدول ۲: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای برخی کشورهای منطقه و هم‌جوار در سال ۲۰۲۲ - ارقام به میلیون دلار

کشور	تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وارده	نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی (درصد)
ایران	۳۸۸،۵۴۴	۱،۵۰۰	۰/۴
ترکیه	۹۰۵،۹۹۰	۱۲،۸۸۱	۱/۴۲
گرجستان	۲۴،۶۱۰	۲،۰۰۰	۸/۱۲
ارمنستان	۱۹،۵۰۰	۹۹۸	۵/۱۲
چین	۱۷،۹۶۰،۰۰۰	۱۸۹،۱۳۲	۱/۰۵
امارات عربی متحده	۵۰۷،۵۳۰	۲۲،۷۳۷	۴/۴۸

مأخذ: سایت بانک جهانی

همان‌طور که در جدول ۲ نشان داده شده است، درصد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایران به تولید ناخالص داخلی، به نسبت برخی کشورهای منطقه بسیار پایین است. این در حالی است که ایران به لحاظ گستردگی و موقعیت جغرافیایی و وجود ظرفیت و توانمندی‌های ویژه در بخش انرژی و دیگر بخش‌های اقتصادی سرآمد است.

تحلیل انگیزه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران

سرمایه‌گذاری خارجی در کشور میزبان، تابعی از ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و مزیت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین سیاست‌های آن کشور است که می‌تواند زمینه لازم را برای جذب بیشتر از سرمایه‌گذاری خارجی فراهم آورد. از سویی دیگر بهره‌مندی حداکثری از سرمایه جذب شده نیز خود داستان مستقلی دارد. بدین ترتیب که جذب بالای سرمایه‌گذاری خارجی شرط لازم بوده و ایجاد ظرفیت برای بهره‌مندی از آن شرط کافی؛ به عبارت دیگر تحقق هر یک از مزایای حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی در کشور میزبان، مستلزم ایجاد زمینه‌های لازم است، به طوری که در صورت عدم تحقق این شرایط علیرغم جذب سطح بالایی از سرمایه‌گذاری خارجی به جز دسترسی به برخی منافع کم اثر و کوتاه‌مدت که در برخی موارد می‌تواند به ضد خود تبدیل شود، فایده‌ای برای کشور میزبان نخواهد داشت (آکینلو، ۲۰۰۴؛ ایانوئل، ۲۰۰۷؛ هانسون، ۲۰۰۱؛ هرزر و همکاران، ۲۰۰۸؛ اییایگی، ۲۰۱۹؛ به نقل از تای نگیوین، ۲۰۲۲؛ جعفری و همکاران، ۱۴۰۰).

شرکت‌های چندملیتی و سرمایه‌گذاری خارجی در ایران

شرکت‌های چندملیتی مهم‌ترین منابع تولید و منابع فنی شامل کالاها و تجهیزات سرمایه‌ای محصولات و فرآیندهای جدید، نام تجاری، دانش و مهارت‌های مدیریتی و بازاریابی هستند که پتانسیل بالایی برای تأثیرگذاری بر کشور میزبان را دارند. این شرکت‌های نیمی از صادرات دنیا، یک سوم تولید ناخالص داخلی دنیا و یک چهارم اشتغال دنیا را در سال ۲۰۱۸ دارا بوده (سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، ۲۰۱۸). شرکت‌های چندملیتی نسبت به شرکت‌هایی که تنها در کشور مبدأ فعالیت می‌کنند از مزیت‌های عملکردی ویژه‌ای بهره‌مندند که به آن‌ها امکان می‌دهد بر مشکلات معمول فعالیت در خارج از مرزها غلبه کنند و در ضمن از مزایای مربوط نیز منتفع گردند.

به طور کلی در ادبیات مرتبط با شرکت‌های چندملیتی از سه دسته مزیت برای فعالیت این شرکت‌ها در محیط‌های رقابتی سخن به میان آمده است که به نظر می‌رسد از این نظر تفاوت چندانی میان شرکت‌های چندملیتی غربی و شرکت‌های چندملیتی جهان در حال توسعه وجود نداشته باشد. این مزیت‌ها عبارتند از:

- ۱- مالکیت؛ مزیت در اختیار داشتن فناوری‌ها و نشان‌های تجاری معروف که دیگر رقبا را در ایجاد چالش در برابر این شرکت‌ها با مشکل روبه‌رو می‌کند. شواهد موجود حاکی از آن است که شرکت‌های چندملیتی، عموماً به لحاظ فناوری در سطح بالایی هستند و از توانایی به کارگیری فناوری‌های جدید در تولید محصولات جدید به نام‌های تجاری مشخص بهره‌مندند. این محصولات به طور معمول تحت حفاظت حقوق مالکیت معنوی قرار دارند.
 - ۲- دسترسی مناسب به بازارها و عوامل تولید؛ وجود این مزیت بدین معناست که شرکت‌های چندملیتی به لحاظ موقعیت مکانی در نزدیکی خریداران نهایی محصولات هستند یا دسترسی آسانی به عوامل تسهیل‌کننده تولید همچون نیروهای کار متخصص یا مواد خام دارند.
 - ۳- توانایی درونی سازی؛ شرکت‌های چندملیتی از توانایی درونی سازی مزایای حاصل از در اختیار داشتن یک فناوری، نام تجاری، تخصص یا مجوز و پروانه تولید خاص بهره‌مندند. این توانایی به ویژه زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که شرکت‌های چندملیتی احساس کنند، اعطای مجوز ساخت محصولات خود به دیگر شرکت‌ها با مخاطرات تجاری و از دست رفتن سودهای حاصل همراه خواهد بود.
- از سوی دیگر، شاید بتوان گفت؛ مهم‌ترین علتی که کشورها تمایل به جذب سرمایه‌گذار خارجی دارند عواملی چون دستیابی به فناوری جدید چه از بعد محصول و چه از بعد فرایند و دسترسی به دانش روز مدیریتی و بازاریابی است (بلاستروم و همکاران، ۱۹۹۴ به نقل از میرترابی، ۱۳۹۳: ۱۱) که در این میان، شرکت‌های چندملیتی نقش مهمی را در انتقال فناوری در بین مرزهای کشورها بر عهده دارند و در سال‌های اخیر این مکانیزم به دلایل مختلف اقتصادی و فناورانه رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است. شکل‌گیری شرکت‌های چندملیتی نه تنها بر اساس داشتن مزیت در دانش و مدیریت فناوری است، بلکه دارای قدرت بازاریابی و دسترسی به پتانسیل‌های بازار

جهانی، برخورداری از مراکز تحقیقاتی در مناطق مختلف جهان و نیز سیستم متمرکز در تصمیم‌گیری، ارتباطات و منابع نیز هستند تا بتوانند توانایی‌های فناورانه موجود در یک منطقه جغرافیایی را برای حل مشکل یا استفاده در یک موقعیت ایجاد شده در منطقه دیگر به کار گیرند. شرکت‌های چندملیتی که قسمت عمده‌ای از جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را بر عهده دارند، منابع اصلی در این مکانیزم هستند (موسی عماد، ۲۰۰۲ به نقل از کمالی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰).

علیرغم مزیت‌های بالای سرمایه‌گذاری در ایران، ورود و فعالیت شرکت‌های چندملیتی به ایران در قالب طرح‌های سرمایه‌گذاری خارجی بسیار محدود بوده، به طوری که در خلال سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۴۰۰، حدود ۶.۷ درصد از کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران متعلق به این شرکت‌ها بوده است که این سهم برای اقتصاد ایران بسیار ناکافی و نشان‌دهنده عدم اقبال این شرکت‌ها به بازار ایران دارد. همچنین مطابق با آنچه در بیان انگیزه‌های این شرکت‌ها برای ورود به کشور میزبان یاد شد، موارد زیر را تلویحاً می‌توان به عنوان علل بی‌رغبتی شرکت‌های چندملیتی برای ورود به ایران برشمرد:

- نبود استراتژی مناسب داخلی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی با کیفیت
- ضعف در تأمین زیرساخت‌های لازم برای استقرار و فعالیت شرکت‌های بزرگ چندملیتی
- وجود فاصله روانی بالا بین ایران و کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی
- نبود زیرساخت‌های حقوقی مناسب و همچنین نبود ثبات در مقررات که ریسک سرمایه‌گذاری خارجی را افزایش می‌دهد.
- وجود تحریم‌های ظالمانه بین‌المللی که فعالیت شرکت‌های چندملیتی را با رقبای بین‌المللی خود با مشکل مواجه می‌کند.
- فاصله تکنولوژیک شرکت‌های ایرانی با شرکت‌های تابعه کشورهای توسعه‌یافته.
- نبود انگیزه‌های لازم برای ورود شرکت‌های چندملیتی برای سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران، امکان بهره‌مندی از ظرفیت‌های این نوع از سرمایه‌گذاری را به حداقل رسانیده، به طوری که در سال‌های اخیر صرفاً برخی شرکت‌ها و افراد با هدف بهره‌مندی از بازار گسترده کشور اقدام به سرمایه‌گذاری در بخش‌های اقتصادی ایران نموده‌اند که به واسطه وجود تحریم‌های بین‌المللی،

دارای مراوده حداقلی با اقتصاد بین‌الملل می‌باشند و همین موضوع امکان استفاده از سرریزهای سرمایه‌گذاری خارجی را به حداقل رسانیده است.

- قیمت‌گذاری دستور کالاها و خدمات تولیدی
- نوسانات ارزی و مشکلات انتقال ارز به خارج از کشور

پیش‌تعارف‌ای

ایجاد زمینه‌های لازم برای تقویت صادرات از محل تولیدات سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان یکی از انگیزه‌های جدی کشورهای در حال توسعه مطرح است. استفاده از ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات، بهره‌مندی توأمان از دو فاکتور و ابزار مهم اقتصادی برای نیل به رشد اقتصادی است که می‌توانند به عنوان مکمل همدیگر عمل نمایند. این مهم که در قالب ماده ۱۰ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران تبلور یافته، بر حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزش‌آوری مثبت از طریق تشویق سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات تأکید دارد.

انفعال در سیاست‌گذاری مناسب برای دفاع از تولیدات داخلی در برابر محصولات تولیدی از محل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، علیرغم تأکید بر لزوم صادرات محور بودن این محصولات در سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی از جمله مشکلات حوزه سیاست‌گذاری و مدیریت جذب سرمایه مستقیم خارجی است که نیازمند طرح و بررسی و ارائه راهبردهای مشخص برای بهره‌مندی حداکثری از مزایا و کاستن از معایب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. در این باره باید اذعان نمود غالب شرکت‌های چندملیتی سرمایه‌گذار خارجی در ایران، صرفاً با هدف تسلط بر بازار ایران و استفاده از معافیت گمرکی ورود کالای نیمه ساخته اقدام به انتقال بخشی از تولید به داخل کشور نموده‌اند و این مهم در سایه کم‌تدبیری برای عمق‌بخشی تولید داخل، به سمت تغییر توازن برد-برد به سمت باخت اقتصاد ملی و سود حداکثری سرمایه‌گذار خارجی پیش می‌رود، هرچند که بی‌ثباتی قوانین و مقررات شرايطی را فراهم نموده است که بسیاری از سرمایه‌گذاران خارجی تمایلی به ادامه سرمایه‌گذاری و یا توسعه سرمایه‌های موجود در کشور ندارند.

بهره‌مندی حداکثری از مشوق‌های سرمایه‌گذاری خارجی

یکی از مهم‌ترین مشکلات حکمرانی اقتصادی کشورها، توجه به تعارض منافع افراد، گروه‌ها و سازمان‌های ذی‌مدخل در زیست‌بوم اقتصادی و سیاسی جامعه است که می‌تواند زمینه و بستری برای نشت اثربخشی و عدم کامروایی ملی باشد. با توجه به هدف غایی سودآوری در اقتصاد متعارف، حکمرانی مطلوب اقتصادی می‌تواند زمینه هم‌افزایی قوای اقتصادی را فراهم آورد، چراکه در غیر این صورت ظرفیت‌های نهادی که برای تسهیل‌گری در اقتصاد تمهید شده‌اند به ابزاری برای منفعت‌طلبی خصوصی بدل گردیده و اقتصاد ملی را از اهدافش باز می‌دارد. از آفت‌های مدیریت دولتی اقتصاد، توجه نمایشی و شعارگونه به موضوعات است به طوری که در این راهبرد، آمار و اطلاعات اصالت یافته و حکمران فارغ از نتایج امر، صرفاً متوجه کمیت‌هاست.

همان‌طور که عنوان شد هدف از جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بهره‌مندی از سرریزهای ناشی از آن است که به‌طور معمول موجب بهبود شاخص‌های اقتصادی کشور میزبان می‌گردد؛ اما این موضوع نمی‌تواند یک اصل لایتغیر باشد چراکه در صورت نبود استراتژی مناسب جذب، ورود برخی سرمایه‌های خارجی می‌تواند برای اقتصاد ملی آسیب‌زا باشد لذا دقت در انتخاب نوع سرمایه‌گذاری و بخش اقتصادی میزبان و دقت در قراردادهای مربوطه و امتیازهای اعطایی بسیار مهم است. از سویی دیگر نگاه بخشی به مقوله سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند به عنوان یک آسیب جدی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی را از اهداف خود دور کند چراکه در این فضا، هر کدام از دستگاه‌های مسئول به منافع بخش خود توجه نموده و در این میان افراد و شرکت‌های داخلی فارغ از اهداف کلان جذب سرمایه‌گذاری، با تأمین نظر و منافع دستگاه‌ها به صورت مجزا، برای افزایش منافع حداکثری خود در قالب سرمایه‌گذاری خارجی تلاش می‌کنند.

وجود برخی انگیزه‌های غیراقتصادی

جغرافیای خاص ایران و قرارگیری آن در منطقه پرتنش خاورمیانه و غرب آسیا، بر فضای کلی مبادلات اقتصادی منطقه سایه افکنده است. در این میان بی‌ثباتی سیاسی در منطقه علی‌الخصوص در کشورهای افغانستان، پاکستان و عراق موجب گسترش پدیده مهاجرت اتباع این کشورها به ایران طی سال‌های متمادی گردیده است که در این میان سهم اتباع افغانستان بسیار بیشتر از سایر کشورهاست که با توجه به مشترکات فرهنگی، دینی و زبانی علاقه‌مندی بیشتری برای زندگی در

ایران دارند. وجود برخی ممنوعیت و محدودیت‌ها برای مهاجرت افغان‌ها خصوصاً طی دو دهه اخیر، آن‌ها را برای استفاده از برخی روش‌های قانونی و بهره‌مندی از تسهیلات کنسولی برای اقامت در ایران ترغیب نموده است. یکی از این روش‌ها، استفاده از مشوق‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش‌های اقتصادی ایران است که این مهم خصوصاً در شهرها و استان‌های هم‌مرز با افغانستان بسیار پررنگ است.

در فهرست استان‌های میزبان سرمایه‌گذاران افغان، استان‌های خراسان رضوی در جلب طرح‌های سرمایه‌گذاری خارجی سرمایه‌گذاران افغان پیش‌تاز بوده و به تنهایی میزبان ۶۴ درصد از کل طرح‌های سرمایه‌گذاری اتباع افغانستان در ایران در قالب طرح‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تحت پوشش قانون سرمایه‌گذاری خارجی است. این در حالی است که استان خراسان رضوی سهم بالایی از جمعیت مهاجرین افغان را نیز در خود جای داده است لذا این موضوع بیش از هر چیز نشان‌دهنده همپوشانی کامل حضور اتباع افغانستان و مجوزهای صادره برای سرمایه‌گذاری خارجی است که می‌تواند گویای انگیزه‌های اتباع این کشور برای استفاده از مجوز سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای بهره‌مندی از مزایای اقامت در ایران باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۱. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان یکی از ابزارهای مناسب برای تأمین مالی پروژه‌های اقتصادی، زمینه مساعدی را برای رشد اقتصادی کشورها خصوصاً کشورهای در حال توسعه فراهم می‌آورد. از این رو، تحلیل این متغیر از زوایای مختلف و با توجه و تأکید بر موقعیت و شرایط کشور مبدأ و میزبان می‌تواند الگوی بومی مناسبی برای برنامه‌ریزی جذب سرمایه مستقیم خارجی منطبق با نیازهای توسعه‌ای کشور میزبان فراهم آورد. همان‌طور که عنوان شد؛ بهره‌مندی از مواهب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای کشور میزبان به صورت خودکار اتفاق نمی‌افتد؛ به عبارت دیگر جذب سرمایه‌گذاری خارجی مناسب برای توسعه کشور نیازمند برخی مقدمات و مؤخرات است که امکان تأمین سرریزهای لازم از محل این نوع سرمایه‌گذاری را برای توسعه کشور فراهم آورد. از سویی دیگر شناخت ماهیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از منظر نوع کارکرد آن در کشور میزبان، فرایند تأمین منافع سرمایه‌گذار خارجی، نوع تعامل سرمایه‌گذار خارجی با سرمایه‌گذاران بومی و بسیاری دیگر از موضوعات

مرتبط، می‌تواند کشور میزبان را در حکمرانی مناسب بر این موضوع یاری بدهد. لذا با توجه به این موضوعاتی که به آن‌ها پرداخته شد، پیشنهادهایی به شرح ذیل برای بهبود شرایط نظام جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران ارائه می‌شود؛

۲. با هدف جذب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌ها و زیربخش‌های اقتصادی با اولویت طرح‌های پیشران مطابق با الگوهای توسعه ملی و منطقه‌ای، استراتژی جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تدوین، تصویب و ملاک عمل تمام دستگاه‌های اجرایی متولی امر قرار گیرد. این سند می‌تواند محتوی بسته‌ای از فرصت‌های سرمایه‌گذاری منتخب به تفکیک زیربخش‌های اقتصادی و استان‌ها و مناطق کشور بوده و مشوق‌های لازم برای هر کدام از فرصت‌های احصا شده بسته به ترجیحات و اولویت‌های ملی و منطقه‌ای در آن لحاظ گردیده باشد.

۳. با هدف بهره‌گیری از حداکثر مزایای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تلاش در جهت استفاده از ظرفیت‌های توسعه گران سرمایه‌گذاری در قالب افراد و شرکت‌های مرتبط با خارج کشور خصوصاً فعالان حوزه تجارت خارجی در دستور کار قرار گیرد و ضمن تغییر رویکرد از جذب دولتی سرمایه‌گذار، بسترهای لازم قانونی برای حضور فعالان اقتصادی در این حوزه فراهم شود.

۴. برنامه مشخصی برای تقویت فناوری‌های تولید در داخل و توسعه نیروی انسانی با هدف جذب سرمایه‌گذار خارجی در زیربخش‌های اقتصادی هدف صورت گیرد. همچنین نظارت بر طرح‌های سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد مشوق‌های لازم برای عمق‌بخشی به تولید داخل و اجرای زمان‌بندی قانونی برای این مهم و همچنین پیشنهاد مشوق‌های مناسب برای تشویق صادرات تولیدات حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند در توسعه اقتصادی کشور راهگشا باشد.

منابع

- الهیاری، رضا، یوسفی شیخ رباط، محمدرضا و الهی، ناصر (۱۳۹۹). موانع ساختاری سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، دو فصلنامه مطالعات و سیاست‌های اقتصادی، دوره ۷، شماره ۱، صفحات ۹۵-۱۱۹.
- الیاسی مرتضی (۱۳۹۹). بررسی تأثیر تحریم‌ها و شاخص‌ها مالی و اقتصادی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، مرکز همدان.
- ذوالقدر، مالک (۱۳۸۸). مبانی نظری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۲، صفحات ۱۰۷-۸۹.
- رسولی قهرودی مهدی (۱۳۹۵). بررسی رابطه راهبردهای ورود، سرمایه اولیه و فن‌آوری در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایران، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه سال ۲۱، شماره ۳ (پیاپی ۱۳۴)، صفحات ۱۴۳ تا ۱۸۴.
- سیدنورانی سیدمحمدرضا، محمدپور حسن (۱۳۹۵). نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اشتغال در کشورهای عضو OECD و کشورهای در حال توسعه، اقتصاد و تجارت نوین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۱۱، شماره ۳، صفحات ۱۲۷-۱۵۷.
- صارمی، محمدصادق؛ ذاکری، امیر، (۱۳۹۹)، سیاست‌های هدایت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای توسعه فناوری، ویژه‌نامه جامع سیاست علم، فناوری و نوآوری، سال ۱۱، شماره ۲، صفحات ۴۱۰-۳۹۴.
- فاضلیان رضا، عارف نژاد محسن، روستا زهره (۱۴۰۱). شناسایی و رتبه‌بندی موانع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران: کاربرد روش دلفی فازی، فصلنامه علمی نظریه‌های کاربردی اقتصاد، سال ۹، شماره ۳، صفحات ۱۷۰-۱۴۷.
- کمالی سراج بیتا، بامداد صوفی جهانیار، الیاسی مهدی (۱۳۹۴). بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شرکت‌های چندملیتی بر توسعه صنعت اپراتور تلفن همراه، فصلنامه مدیریت توسعه فناوری، دوره ۲، شماره ۴، صفحات ۲۹-۹.

- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۹). الزامات جذب بهینه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران با بهره‌گیری از تجربه کشورهای موفق، معاونت پژوهش‌های اقتصادی، کد موضوعی ۲۲۰، شماره مسلسل ۱.
- میرترابی سعید، (۱۳۹۳) شرکت‌های چندملیتی نوظهور و توسعه جنوب، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال ۱۰، شماره ۲۸، صفحات ۳۳-۷.
- My-Linh Thi Nguyen (2022) Foreign direct investment and economic growth: The role of financial development, Cogent Business & Management, 9:1, 2127193, DOI: 10.1080/23311975.2022.2127193.
- Nunnenkamp, Peter; Spatz, Julius, (2004) FDI and economic growth in developing economies: how relevant are host-economy and industry characteristics?, United Nations Conference on Trade and Development Division on Investment, Technology and Enterprise Development, Transnational corporations.

